



سید علی محمد

دولت آبادی

نیدر اعتدالیون

یادداشت

های

پراکنده



تغیر مردم از بختیارها :

* بعد از وقعهٔ پارک اهالی تهران از بختیارها و آرامنه اظهار نفرت کردند. خصوصاً از سردار اسعد تا آنکه از نظر و کلا ووزرا اختلافات حاصله را تماماً از عداوت

او با سپهدار تصور کردند. در اواخر رمضان و کلا در پارلمان مذاکره کردند که سردار اسعد و سپهدار اصلاح کنند و هر دو مسافرتی کرده باشند. بر خلاف سردار اسعد اعتدالیون نطق کرده ایشان را از دخالت در

قوه مجریه و امر فارس منع کردند .

* در ۱۵ رمضان ۱۳۲۸ که هیئت متصالحه بختیاری مراجعت کرده بودند حکومت آنها را بکلی گرفتند و از کار خارج شدند و عموماً قرار شد باصفهان آمده از آنجا به تهران بیایند.



سپه‌دار و سردار اسعد

در اواخر ماه آه‌دند و سر قبر ایلخانی جمع شده در ثانی تجدید قسم کردند. سواران آنها ما مورگرفتن نایب حسین کاشانی شده‌اند .

پانصد نفر سر باز بایک توپ و مقداری استعداد خارجی سوم ماه شوال ۱۳۲۸ بطرف کاشان حرکت کردند.

هشتم نزدیک کاشان شدند ، روزنهم قریب به ظهر جنگ میان آنها و نایب حسین شروع شد . یک نفر از اتباع نایب حسین بوده کشته شد و تا روز دهم شوال ۱۳۲۸ مقتولین بختیاری در کاشان چهار نفر بوده‌اند. مجروحین معلوم نیست.

تلگرافخانه انگلیس را نایب حسین

سنگر نموده . دیروز که نهم شوال ۱۳۲۸ قبل از ظهر یک مقداری از محله پشت مشهد را تصرف کرده بودند و اتباع نایب حسین را از آنجا بیرون نموده ولی در ثانی تخلیه کرده بودند و بتصرف اشرار افتاده دو ساعت بغروب مانده باز بختیارها گفتند تصرف کردند. اهالی شهر با نایب حسین واقفت دارند و اغلب خواهان او هستند . اردوی دولتی که مرکب از سوار و سر باز باشند دیروز (۱۰) بطرف کاشان حرکت نموده‌اند.

ملاحیب الله کاشانی و جماعتی که همراه او بودند در اصلاح آنچه کوشیدند . یک روز علما را خواستند و با آنها مخابرات حضوری کرده دو مطلب را تقاضا کردند ، یکی این که پسر نایب حسین را خلاص کنند . دوم آنکه امنیتی بضمانت خارجه به خود نایب حسین بدهند. هیچکدام قبول نشد . گفتند امنیت باو اینقدر داده میشود که بیاید تهران و محاکمه شود و بدون محاکمه صدمه باو وارد نشود.

سه چهار روز هم همین مطلب در بین بود در آخر شوال پاره‌ای حرفها منتشر شد که بختیارهای اطراف کاشان آذوقه را بروی اهالی شهر بستند . آب را قطع نمودند که مردم را ناچار نموده از اطراف اشرار پراکنده کنند مسئله آب دروغ بود ولی منع آذوقه صحیح است . در ضمن اینکار یک روز هم مهلت با اهالی شهر دادند و گفتند که اگر از اطراف نایب حسین خارج نشوند

اصفهان علم مخالفت برافراشته می‌خواستند ایلخانی و ایلبگی را از خارج معین کنند و از خانواده حسینقلی خان و امامقلی خان خارج کنند و برای این مقصود حتی حاضر شدند که بقونسولخانه روس بروند و بالاخره اصلاح شد.

حرکات اهالی کاشان با بختیاری‌ها

اول اقدام کاشانی‌ها حکم ملا حبیب بود بر وجوب جهاد با بختیاری‌ها که آن‌ها را واجب‌القتل و نایب‌حسین کاشانی را مروج اسلام و حامی دین خواند. نایب‌حسین در کاشان خودش را سالار اسلام لقب داد به عنوان خون خواهی آقای سیدعبدالله بهبهانی و برهم خوردن بساط شریعت اظهار تمرد می‌کرد.

دوم اقدام کاشانی‌ها تدابیری بود که در اعدام سواران دولتی می‌کردند یعنی مردان کاشان لباس زنانه می‌پوشیدند و بخیله و تزویر بختیاری‌ها نزدیک میشده آنوقت بار و لور آن‌ها را میزدند.

زنی می‌آمده است که در یک محل ده نفر از اتباع نایب حسین مخفی شده‌اند بیایید تا من آن‌ها را نشان بدهم آن‌ها را می‌آورد تا محل و خودش مخفی می‌شد از پشت سنگر ها اشرار مشغول زد و خورد میشدند و از این قبیل حرکات زشت از اهالی کاشان صادر شد که اجمالا دلالت بر همراهی با اشرار مینمود.

نایب حسین از کاشان فرار نموده دو بیست نفر سوار در عقب او روانه شد و بطرف اردستان روانه گشته دوسه محل با او

شهر را به توپ خواهند بست. آن‌ها قدرت این را نداشتند که با حسین مخالفت کنند و ایام مهلت گذشته یکروز قبل از ظهر مشغول توپ انداختن شدند گویا تا شب جنگ بود نایب حسین در همان شب فرار کرد.

نایب حسین خودش و انتظام‌الملک با سیصد نفر سوار فرار کردند. تعجب این است که بختیاری‌ها اطراف شهر را داشتند. و در این فرار ابدأ زد و خوردی میان آنها واقع نشد. فردای آن روز اردوی دولتی وارد شهر شده سوار بختیاری مشغول غارت شدند.

ولی رقباء آن‌ها جلوگیری نموده نگذازدند که غارت زیادی ببرند.

بختیاری‌ها بواسطه حرکاتی که از اهالی کاشان دیده بودند خیلی میل داشتند یک تلافی کاملی از اهل شهر نموده باشند ولی باین مقصود نائل نشده و از سرداران ممانعت شدیدی شد.

از تهران وزارت داخله و هیئت‌وزرا کاملاً سفارشات داده بودند که مبادا غارتی شود اگر چه بطوریکه دستور داده بودند، نکردند ولی باز خوب بود اگر خسارات سوار بختیاری مجرا می‌شد کاشان خراب شده بود.

اولا غارت زیاد نکردند و ثانیاً اگر هر قدر توانستند از اموال غارت شده مسترد داشتند و به همین واسطه جمعی از آن‌ها قهر نموده در اوایل ذیقعد ۱۳۲۸ بطرف اصفهان رفتند و تا ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۸ در

ملاقات و زد و خورد کردند ولی درموقعی که سوارها مراجعت نموده نایب حسین را در بیابانک و اطراف آن دزد را داشتند کم کم



سوارهای نایب حسین هم متفرق شده یک چند نفری باقی ماندند .
نایب حسین و انتظام الآن قریب دو ماه است که در بیابانک و اردستان و اطراف بدون مانع زندگانی می کنند. اینجاستهائی که به بختیاریه از دند این بوده که از نایب حسین پول و جواهرات کلی گرفته او را فرار دادند و همچنین به آن دو دست نفر سواری که در عقب او روانه نموده بودند تعلیم داده که چندان سختی نکنند ولی در مقابل این حرف بختیاریها خبرهای دیگر داشتند که اصلاً نایب حسین بدستور رجال و مشروطه خواهان تهران بکشان آمده بود و تحریک آنها هم

این مخالفت را نمود و معصودشان از این مطلب اینست که دسته سپهدار و غیره بر خلاف سردار اسعد و بختیاریها بودند و با قضیه پارك اتابك مخالفت داشتند این تجریكات را کرده اند. اما اصل مطلب خلاف و بی اصل است و از طرف سپهدار و مخالفین بختیاری تحریکی در این کار ننموده اند و تا این درجه دشمن را دامنه نداده اند.

بختیاریها هم بواسطه اینکه از غارت ممنوع شده دیگر تمکین در رفتار خود نکردند و در صدد دستگیری او کوشش نکردند . اما در موقع فرار رضایت سرداران را جلب نموده اند یا بواسطه تاریکی موقع آنها عمداً راه فرار برای او باقی گذارده اند اطلاع کاملی ندارد .

نایب حسین از تاریخ این فرار تا اوایل ماه صفر پراکنده بود و در هر محل از شرارت فروگذار ننموده املاک اینطرف کاشان از بیابانک و غیره اغلب خراب شده اوست . در غارت و قتل نفس کوتاهی ننموده خصوصاً در اواخر محرم ۱۳۲۹ و اوایل صفر که بطرف دامغان حرکت نموده شهرت دارد محمد علی گنابادی هم باو ملحق شده دو دست نفر سوار و پنجاه نفر پیاده همراه دارد .

در اوایل خاك دامغان بيك ده امير اعظم وارد شده و چند نفر را كشته اموال آن جماعت را غارت نموده سوارهای او در خاك دامغان از هیچگونه شرارت مضایقه نمی نمایند . (ناتمام)